

"فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند الله،
لیشتر و به ثمننا قليلا. فویل لهم مما کتبت ایدیهم و ویل لهم مما
یکسبون".

ترجمه: "پس وای بر کسانیکه از پیش خود کتاب می نویسند،
سپس می گویند: این از طرف خداست تا از این طریق متاعی
اندک بدست آورند. پس وای بر آنان از آنچه بدست خود
نوشتند و وای بر آنان از آن سودی که کسب
نمودند"

سوره بقره، آیه 78

وقتی در قرآن به آیه مبارکه (و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین) رسیدم به این
معنی که تر و خشکی نیست که در قرآن نباشد مطمئن شدم که حتما راجع به
گروهی که تحت عنوان بهائیت مسلمانان را فریب داده و برای خود قصر و
تشکیلاتی راه انداخته اند نیز نشانه و آیاتی در قرآن وجود دارد. بالاخره به آیات زیر
رسیدم:

سوره مدثر آیات 29 الی 31 : لواحہ للبشر. علیها تسعة عشر.

ترجمه: (لوح دهنده است به مردم. بر اوست عدد نوزده.)

این آیات بلافاصله بعد از آیات مربوط به کافر معاندی آمده که عاقبت او را دوزخ و
سقر بیان کرده است. جالب است که حسینعلی بها بواسطه اینکه نامه هاپی که به
مردم میداد الواح نامید *لوحه* یعنی لوح دهنده بوده است و از همه مهمتر اینکه
عدد نوزده عدد رسمی بهائیت است. تعداد ماههای سال؛ تعداد روزهای ماه؛ مقدار
مهریه زنان؛ مقدار جزای نقدی؛ همگی نوزده است و نوزده مطابق لفظ بهایی
است. این آیات و آیات قبل و بعدش در توصیف دوزخ آمده اند. عجب دلالتی بر *آتش*
و *اهل آتش!*

شاید با بیان یافتن آیه مذکوره دوباره به این حقیقت پی ببریم که این قرآن معجزه
ای جاوید است که هر لحظه و هر روز با بیان نکاتی گرانبها از جدیدترین یافته های
پزشکی و علمی گرفته تا پیشگویی حوادث آیندگان جلوه ای از وحی الهی از آن
خارج و منتشر میگردد. در باره بهائیت هم يك نکته را متذکر میشوم. قرآن بیش از
شش هزار آیه دارد. بهاییها مانند کسی که چیزی برای از دست دادن نداشته
باشد هر روز آیه ای از قرآن را دستخوش هجوم قرار داده و در جمعهای خصوصی
خودشان به استهزا گرفته اند که شنیده ای فلان آیه هم در قرآن در تأیید امر بهایی
است؟ بی خبر از اینکه قدمای آنها در دوزخ هنوز به یکی از اتهامات خود نیز پاسخ
نداده اند و آتش شعله ور جهنم هر لحظه انتظار اقدام آنان را میکشد و خدا و
فرشتگان و همه مردم هم بر آنها لعنت میفرستند. بسیاری از آیات مورد استناد آنها
با یکبار خواندن از روی قرآن و در جریان قرار گرفتن شأن نزول و ترجمه آن کاملا
مشخص میشوند. بعضی از موارد را در اینجا آورده ام و اگر استنادات جدیدی از آنها
بدست آمد و برای این حقیر ارسال شد حتما در مقوله ای جداگانه به توضیح
شیئات خواهم پرداخت؛ هر چند که شیطنت این قوم ضاله تمامی ندارد:

سوره هود آیه 7 : و هو الذي خلق السماوات و الارض في ستة ايام و كان عرشه علي الماء ليلوكم ايكم احسن عملا. و لئن قلت انكم لمبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا: ان هذا الا سحر مبين

ترجمه آیه: و او خدایي است که آسمانها و زمین را در مدت 6 روز آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را آزمایش کند که عمل کدامیک از شما بهتر است. و اگر بگویي: حتما بعد از مرگ زنده خواهید شد همانا کافران خواهند گفت: این سخن جز سحري آشکار نیست.

تفسیر بهائیت: حسینعلی بها پس از استقرار در عکا از طرف مریدان باغی عابدش شد که خود آنرا باغ فردوس نامیده بود و در آنجا نهري روان بود. فرمان داد تختي چوبین بر روی نهر زدند و مریدان آنرا مفروش گرداندند. وي هر هفته یکی دو روز در آن باغ رفته نهار بر سر تخت میخورد و حوله بر سر کشیده خواب قیلوله مینمود. روزي دو برادر و چهار پسر خود را صدا زده آنان را فرمان داد تا اهل بها را خبر دهند که راز این آیه که گفته (و كان عرشه علي الماء) امروز بر ملا شد که مقصود این خدا و این نهر آب و این تخت است.

سوره اعراف آیه 160 : و قطعناهم اثنتي عشرة اسباطا امما و اوحينا الي موسي اذ استسقاہ قومه ان اضرب بعضاك الحجر فانجست منه اثنتي عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم و ظللنا عليهم الغمام و انزلنا عليهم المن و السلوي .كلو من طيبات ما رزقناکم و ما ظلمونا و لكن كانوا انفسهم يظلمون.

ترجمه: قوم موسي را به دوازده گروه منشعب کردیم که هر گروه طایفه اي باشند و چون امت موسي از او آب خواستند به موسي وحي کردیم عصاي خود را به زمین بزن. آنگاه دوازده چشمه آب از آن سنگ جاري شد و هر قبیله اي چشمه آب خود را شناخت. و ما بوسیله ابر بر سر آنها سایه انداختیم و نیز برای آنها ترنجبین و مرغ فرستادیم. گفتیم از روزيهاي پاکیزه اي که به شما داده ایم تناول کنید. و آنها بر ما ستم نکردند بلکه بر خودشان ستم کردند.

تفسیر بهائیت: (در یکی از احادیث جعلی شیعی به این مضمون نوشته شده که مراد از موسي در این آیه حضرت محمد و مراد از عصا حضرت علي است و مراد از دوازده چشمه هم دوازده امامند . این حدیث هم به دلیل اینکه آیه از محکمت است و موردش مشخص و نامها هم آمده است قابل قبول نیست و معارض با قرآن است و معلوم است کسانیکه بعدا خواسته اند بگویند معجزه حضرت موسي ازدها کردن عصا نبوده بلکه اینها تمثیل است و منظور عصاي امر است! و بدین ترتیب خود را از زیر بار معجزه آوردن معاف کنند این احادیث را هم پیدا کرده و استناد میکنند. در هر صورت این حدیث اگر معارض با نص صریح قرآن هم نبود بدلیل ضعف سند روایت از درجه اعتبار ساقط بود؛ و جالب اینکه استفاده ایکه در اینمورد از این حدیث شده به فرض اینکه این حدیث واقعیت هم داشت کاملا بی منطق است.) جناب تئوریسن بهائیت در تفسیر این آیه و با استناد به این حدیث گفته بود: چون حضرت

امیر عصا و دوازده چشمه دوازده امام هستند پس نتیجه عدد سیزده به دست می آید پس باب امام سیزدهم است. جالب آنکه باب خودش خود را همان مهدی و امام دوازدهم میدانست! از طرف دیگر در این سوره در پایان داستان موسی علیه السلام تأکید کرده که این داستان همان داستانی است که درباره زندگانی پیغمبران و اقوام مختلف در جاهای مختلف قرآن ذکر شده است.

سوره اسری آیه 78 : اقم الصلوة لدلوك الشمس الي غسق الليل.
ترجمه: نماز را بر پا دار از زوال آفتاب تا تاریکی کامل شب (اشاره به وقت نمازهای پنجگانه)

تفسیر بهائیت: (کتاب بحر العرفان) غسق الليل یعنی سال 1260 و معنی آیه این است که تا سال 1260 نماز بخوان و بعد از آن خود را آزاد بگذار. توضیح: بی خیال بابا. این یکی را گذاشته بودم برای خنده

سوره انبیا آیه 29 : و من يقل منهم اني اله من دونه فذلك نجزيه جهنم. كذلك نجزي الظالمين.

ترجمه: و هر کس از آنها بگوید: منم خدایی غیر از او پس چنین کسی را دوزخ پاداش میدهیم و چنین مزد میدهیم ستمکاران را.

بهائیت: حسینعلی بها در پاسخ به این آیه محکم چندین بار گفتند: انی انا الله . لا اله الا انا. من در مناظره ای که با یکی از مبلغین کردم که البته فکر نمیکرد من ادعاهای مکرر میرزا علیمحمد و میرزا حسینعلی را درباره خدائیتش دیده باشم این ادعای باب را با ادعای امام زمانیش و ادعای بندگیش و ادعاهای دیگرش در کنار هم گذاشتم و گفتم اینها نشانه عدم صداقت يك نفر است. بالاخره تکلیفش چه میشود. ایشان کیست؟

يك لحظه خودتان را جای چنین مبلغی بگذارید و فکرش را بکنید که اینجا چه عکس العملی نشان خواهید داد؟ چند حالت ممکن است: یا انسانی منطقی و بدنبال حقیقتی که خیلی راحت يك جمله میگوید: استغفر الله ربي و اتوب اليه (از درگاه خداوند یگانه معذرت میخواهم و به سوی پرستش آن یگانه معبود بی همتا باز میگردم). آنوقت مانند انسانی پاک و یگانه پرست به این حقیقت رسیده اید که این جماعت مسخ شده را خدا در عذابي دائم قرار داده و نفرین مدام خدا بر آنهاست چون نمیتوانند حتی يك لحظه خدایشان را بشناسند و با وي به راز و نیاز بپردازند.

حالت دوم در مورد مناظره من واقع شد و آه تأسفبار منرا برای آینده نه چندان دور فرد مخاطبم در بر داشت. غرور ناشی از جهل و نادانی و ناسپاسی و کفران نعمت در جثه ای ضعیف ولی با باری گران و روح پاک که امانتی الهی است در جسمی آلوده به خیانتکاری و شرک از دست رفت. پاسخش هم این بود: (جناب باب چهار مقام مختلف داشتند. یکبار در مقام بندگی بودند و آن صحبت را کردند؛ با دیگر مقام امامی بار دیگر مقام خدایی و واقعا که!

سوره حج آیه 41 : الذين ان مكناهم في الارض اقامو الصلوة و آتو الزكوة و امرو بالمعروف و نهو عن المنكر و لله عاقبة الامور.

ترجمه: همانهایی که اگر به آنها در روی زمین قدرت بدهیم نماز به پا میدارند و زکات میدهند و دیگران را به کارهای خوب سفارش میکنند و از کارهای زشت باز میدارند و سر انجام کارها برای خداست.

حضرت باقر علیه السلام: (نقل از تفسیر قمی) این آیه در شأن آل محمد نازل شده و در آخر الزمان روح این آیه ظهور میکند در مهدی این امت علیه الصلوة و السلام که چون قائم آل محمد قیام نماید در مشرق و مغرب عالم تصرف و تملک نماید و همه را به دین اسلام در آورد و بدعتها را زایل سازد و اصحاب بدعت را نابود نماید. بهائیت: حرفی برای گفتن ندارد. باید با وکیلش صحبت کنید.

سوره قصص آیه 30 : و ان الق عصاك فلما رآها تهتز كأنها جان ولي مدبرا و لم يعقب يا موسي اقبل و لا تخف انك من الامنين.

ترجمه: خداوند به موسی گفت: اینک عصای خود را بیانداز تا قدرت ما را تماشا کنی. پس چون آنرا انداخت دید که میجنبید چنانکه گویا جان دارد یا صاحب روح است. پشت کرد برای فرار و دنبال عصا را نگرفت. خطاب آمد: ای موسی رو کن و مترس که تو در امانی.

بهائیت: (کتاب ایقان) معجزات این سوره و سوره های دیگر که درباره حضرت موسی آمده منظور از عصا عصای امر خداست و دست وی که بیضا بود (و نور آن خیره کننده) منظور نور معرفت است یعنی عصا ازدها نشد و ید بیضای موسی کنایه است.

توضیح: معلوم است که باید زیراب همه معجزات پیغمبران قبلی را بزیند. چون قرار نیست خودتان هم معجزه کنید! اصلا نباید اجازه میدادید اینهمه پیغمبران بیایند و معجزه بیاورند. باید چند هزار سالی زودتر این آئین جالب را تشریح میفرمودید.

سوره روه آیه 30: ... و لا تكونو من المشركين .من الذين فرقو دينهم و كانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون.

ترجمه: و نباش از مشرکین. آنها کسانی هستند که دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند و هر گروه به آنچه نزد خودشان است از عقاید باطله شاد هستند. رسول خدا (ص) : مراد از الذين فرقو دينهم اهل بدعت و ضلالتند از امت من که بعد از من بیایند و هر گناهی را توبه است مگر بدعت و ضلالت را که توبه برای آن نیست.

بهائیت: حرفی برای گفتن ندارد. باید با وکیلش صحبت کنید.

سوره سجده آیه 5 : يدبر الامر من السماء الي الارض ثم يعرج اليه في يوم كان مقداره الف سنة مما تعدون.

ترجمه: اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر میکند. سپس در روزی که مقدارش هزار سال است بسوی او باز میگردد.

بهايت: (کتاب فرائد نوشته ابوالفضل گلپايگاني) : منظور از امر امر اسلام است که از آسمان بر زمين آمد و بعد از هزار سال بسوي آسمان ميرود و نسخ ميشود. پاسخ: الف سنة در آيه فقط مثال براي تقريب ذهن است و مثلا در آيه اي ديگر مدت يك روز را بجاي الف سنة خمسين الف سنة آورده شده (تعرج الملائكة و الروح اليه في يوم كان مقداره خمسين الف سنة مما تعدون) يعني فرشتگان و روح در روزي که بحساب شما پنجاه هزار سال است به سوي او بالا مي آورند. حال اگر منظور از اين عددها چيزي جز تقريب ذهني بود پس يك نفر ديگر هم بعد از پنجاه هزار سال ميتواند بيايد و بگويد روح اسلام امروز به آسمان رفت و نسخ شد و از حالا به بعد من پيغمبر و خدا و ... هستم! يعني اگر ترجمه تعرج را در آن آيه نسخ بدانيم اينجا هم همان کلمه را داريم و جالب است که در هيچ جاي عربي اين کلمه معنای نسخ نميدهد. از طرفي امر هم هيچوقت اسلام نبوده است مخصوصا در اين آيه که مشخص است تدبير کردن براي دين نمي آيد و براي کل امور عالم آمده است و در ضمن الف و لام در الامر مبين اين است که کل امور مورد نظر است نه قسمتي از امور. ضمنا اگر هم بگويم معنای اين آيات متشابهات است پس بايد تفسير آنها از امامان بخوانيم که قرآن ناطقند و الا من هم ميتوانم خودم را با تفسيري که خودم از قرآن مينويسم ثابت کنم. اول بايد برادري را ثابت کرد و بعد ادعای ارثيه نمود. راستي گيريم که اسلام تمام شود و همه مسلمانها هم يا بميرند يا قبول کنند اسلام تمام شد و نسخ شد؛ حالا کجاي اين آيه دلالت بر ظهور باب و بها دارد؟! اگر روزي هم اين بلا مي آمد مگر انسانهاي پاک و دانشمند و باسواد کم هستند که برويم اينها را پيغمبر کنيم! ابوالفضل گلپايگاني در مقدمه فرائد مينويسد: انبيا خبر داده اند که دنيا به سبب دو ظهور اعظم کسوت جديد بپوشد و آلات حرب به ادوات کسب مبدل شود و سپس نتيجه ميگيرد که اين دو ظهور ظهور باب و بها است. ايشان اولاً نميگويد اين خبر را از کجا پيدا کرده است. بعد هم ببينيد آيا به سبب اين دو ظهور تا امروز که نزديک دويست سال از آن ميگذرد دنيا کسوت جديد پوشيده و آلات حرب به ادوات کسب مبدل شده و گرگ و ميش از يك مشرب مشروب گرديده اند؟ ما شيعيان منتظر هستيم کسي بيايد که يملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا (زمين را آنگاه که از ظلم و جور پر شده باشد از قسط و عدل پر کند) اما تا آن شخص نيابد و اينکار را نکند هيچ ادعایي نميکنيم. اما ايشان اين ادعا را کرده در حالیکه پس از اين دو ظهور دو جنگ جهاني يا ميليونها کشته از يك طرف و رقابتهای تسليحاتي و دهها جنگ جهاني ديگر از طرف ديگري خانمان دنيا را بر باد داده است. چطور ميگويد اين اتفاق افتاده و آلات حرب به ادوات کسب مبدل شده؟ اين روزها آدم چه چيزهايي که نميشنود و نميبيند!

سوره احزاب آيه 40 : ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبيين و کان الله بکل شيء عليما.
ترجمه: محمد پدر احدي از مردان شما نبوده و لکن فرستاده خدا و ختم پيغمبران است؛ و خداوند به همه چيز داناست.

حضرت محمد (ص): (نقل از تفسیر راضی) محمد ابن حسن از رسول خدا روایت کردند که در تفسیر این آیه فرمود: انا محمد و انا احمد و انا حاشر الذی یحشر الناس علی قدمی و انا العاقب الذی لیس بعدی نبی. یعنی من محمدم و من احمدم و من حاشری هستم که بر اثر و در پی من حشر واقع میگردد و منم آخرین که بعد از من پیغمبری نخواهد بود.

بهاییت: آخرین تفسیری که همین ماهها از مبلغین شنیدم که از سر تا پا با تفاسیر قبلی فرق میکرد این بود که بله. محمد آخرین پیغمبر خداست تا روز قیامت. خوشحال شدم که لا اقل جفنگیات قبلی را تکرار نکرده که میگفتند خاتم به معنی مهر است! گفتم خب پس ایمان آوردید؟ گفت نه! گفتم چرا؟ با لحنی که خودش هم نمیدانست چجوری بگوید گفت: ایشان خاتم پیغمبران است تا روز قیامت و روز قیامت همان روز ظهور باب است! گفتم: ببخشید؟ میشه بیشتر توضیح بدهید؟ گفت بله. بر طبق تفسیری که در کتاب ایقان خود بهاییت بر قرآن نوشته ثابت کرده که تمام آیات مربوط به قیامت عملی شده و روز قیامت روز ظهور بهاییت است. خیال کردم خواب میبینم یا طرف خودش هم متوجه نیست چه میگوید و احتمالا خیلی خسته است. حرفش را برای خودش تکرار کردم که: (یعنی با این حساب يك نفر آمده و خود را پیغمبر معرفی کرده. به او گفتند طبق قرآن تو پیغمبر نیستی و قرار نیست پیغمبری بیاید. ایشان تفسیر قرآن را نوشت و با تفسیری که نوشت خود را پیغمبر خواند!) منظورتان همین است؟ گفت: بله. شما نمیفهمید. منم سرم را پایین انداختم و راهم را گرفتم و رفتم. از در خانه بیرون رفته با خودم گفتم: عجب صبری خدا دارد!

سوره شوری آیه 21 : ام لهم شركاء شرعو لهم من الدين ما لم يأذن به الله و لولا كلمة الفصل لقضي بينهم.

ترجمه: بلکه برای ایشان شریکانی است که برای ایشان از دین چیزهایی قرار داده اند که خدا اذن نداده است (مقصود علمای ادیان است که در دینها بدعت میگذارند). و اگر کلمه فصل نبود بین آنها قضاوت میشد.

بهاییت: (فراید ابوالفضل گلپایگانی) کسی تشریح شریعت بدون اذن الهی نتواند کرد و هر کس شریعت تازه ای آورد و از بین نرفت پس حق است پس بهاییت حق است.

پاسخ: این آیه هیچ دلالتی بر این مطلب ندارد و به فرض هم که داشت هم در ادامه آیه و هم در آیات دیگر آمده است که اگر حکم قاطع الهی بر این نبود که در عقوبت کفار عجله نکند آنها را از بین میبرد. عقلا هم اگر قرار بود خدا همینجا جلوی این ظلمها را بگیرد فلسفه بهشت و جهنم زیر سؤال میرفت. بگذریم از آنکه در همین لحظه بیش از دویست هزار شریعت در هند و بیش از صدها شریعت نوین در اقصی نقاط جهان وجود دارد که همگی دارای تشکیلات و کتاب و دلایل خود هستند و طرفدارانی هم دارند. مثال واضحش شیطان پرستانند که بر طبق آمار سال 2000 میلادی به بیش از دویست میلیون نفر در سراسر جهان رسیده اند. مطمئنا خدا نباید میگذاشت همچنین آئینی که عملا شیطان را خدای خود و خدا را دشمن خود

میدانند تا اینحد ماندگار و گسترده شود. البته در آیات داریم که خدا اینگونه نامردیها را ممکن است در جا از بین ببرد (آیه 46 سوره حاقه) که در موردیکه کسی به خدا دروغ ببندد همانموقع رگ حیات او یا رگ دل او را میبریم. ما میگوییم بله رگ دل آنها بریده شده و همینکه تا آخر عمر نتوانستند توبه کنند دلیل ماست. و الا اگر با توهین به خدا باید رگ گردن بریده شود من هر لحظه يك میلیارد مرتبه بر بهائیت و خدایي باب و بها و هر چه میگویند و مینویسند و همه طرفدارانشان لعنت و نفرین میفرستم و تا آخرین لحظه عمر هم دست از لعنت بر نمیذارم و هیچ چیزی هم نمیشود. در عین آنکه دین جعلی که با اینهمه دروغ بستن به خدا بوجود آمده اگر چه میلیاردها دلار باد آورده روسها و انگلیسیها و نهایتا آمریکاییها و اسرائیلیها شبانه روز و نامحدود در خدمتش بوده و هستند و خواهند بود ولی به جایی نخواهد رسید و با همه بوقها و تبلیغات و امتیاز دهی و جعل و فریبا هیچوقت به تعدادی که مطرح بشوند نمیرسند کما اینکه الآن حتی به اندازه طرفداران يك جناح سیاسی هم نیرو ندارند. اسلام بعد از ربع قرن بر ربع جهان مسلط شد و اینها الآن نزدیک دو قرن است که در انزوا و پلیدی خود چراغها را خاموش کرده و ددرختها را میشمزند! يك نفر بهایی در جایی برای من نوشته بود: با چه جرأتی به بزرگترین آیین جهان توهین میکنی؟ (البته من هیچوقت به هیچ آئینی توهین نکرده ام) و يك نفر دیگر هم که ظاهرا دکتر بوده جوابش را داده بود که منظورت همان پنج میلیون بهایی است؟ بعد گفته بود از نظر علم پزشکی همان تعدادی که در عصر بهائیت بهایی شدند اگر درست زاد و ولد میکردند الآن بیشتر از این تعداد بودند و متأسفانه بدلیل عدم رعایت بهداشت و اخلاقیات رو به زوال رفته اند! خلاصه که سؤال من از جناب گلپایگانی این نیست که چرا آیه را درست نخوانده است که خودش هم بعدها قبول نموده که چه بر سرش آمده بود. سؤال من فقط این است: کدام ماندگاری؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟